

جمال شورشجه (فیلمساز)

بدالله صمدی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طاهای (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قفیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌ی‌کبا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد ارگانی (فیلمساز)

**نگاهی به ماهیت سینمای پیش ازانقلاب ۵۷**

قسمت دوم

## ناقوس مرگ ونفرین

■ **بژمان کریمی**

**گامی سیاسی**

گفته شد؛ از بانیان رغبت و اعتنای شاه بیمار قجری- مظفرالدین شاه- به سینماوگراف و از مشوقان شاه برای خریداری و وارد کردن ابزار سینما به ایران، میرزا علی‌صفر خان اتابک صدراعظم وقت و علی‌خان ظهیرالدوله مشاوشاه و وزیر تشریفات ناصرالدین‌شاه ی‌پونده؛ عناصری که انتساب و دغدغه‌شان به فراماسونری، واقعیت پوشیده‌ای برای دربار نبود؛ جریان فراماسونری از همان اوان پاکیری در ایران، با نقای افرادی چون میرزا ملکم خان ارمنی‌الاصل و سفیر ناصرالدین شاه در لندن، شروع به نقش آفرینی در صحنه سیاست و فرهنگ ایران کرد.

معرفی دین به عنوان مانعی عمده در راه پیشرفت و تعالی جامعه،بی‌اعتنایی به ارزش‌های سنتی و بومی، اصرار به گسترش نگاه جهان وطنی، مروجیت کامل در برابر فرهنگ غربی و دوری از مردم، مشخصه‌های کلان جریان فراماسونری بوده و هست؛ بنابراین ردپای فراماسونری در ورود سینما به ایران شگفت‌انگیز نیست و در راستای اهداف ماسونی قابل تحلیل است؛ حال؛ بیاجاست کمی با دو سیاستمدار ماسون عهد قجرری آشنا شویم! میرزا علی‌اصغر خان ملقب به امین‌السلطان و اتابک اعظم، صدراعظم سه شاه قجری- ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه- بوده؛ نوشته‌اند که مصیلات عمیقئ نداشت اما از هوش و حافظه خوبی برخوردار بود. این سیاستمدار گرجی‌الاصل، در بخشی از حیات سیاسی خود به انگلیس و در بخش دیگر؛ به روسیه گرایش پیدا کرد. اتابک در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ به دست فردی به نام عباس آقا تبریزی کشته شد. گفته‌اند این قتل، حاصل توطئه روس و انگلیس بوده است زیرا او را مانع نزدیکی این دولت‌ها بر سر موضوع ایران می‌دانستند. اتابک با استعتراض از روسیه، بساط سفر مظفرالدین‌شاه را به فرنگ فراهم کرده بود. می‌گویند همو بود که در سال ۱۹۰۱ در حالی که شاه مسحور سینماوگراف شده بود، به همراه میرزا نصرا.. خان مشیرالدوله،نظام‌الدین غفاری و مهندس‌التمالک میرزا به پای امضای قرارداد استعماری داری زدند. مطابق این قرارداد ویلیام تاکس داری، می‌توانست به مدت ۶۰ سال به استخراج و بهره‌برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در ایران اقدام کند.

به گفته سرتاوتور هاردینگ نویسنده کتاب «یک دیپلمات در شرق»؛ اتابک بابت قرارداد داری، سهمی برابر ۱۰ هزار لیره انگلیس دریافت کرد.

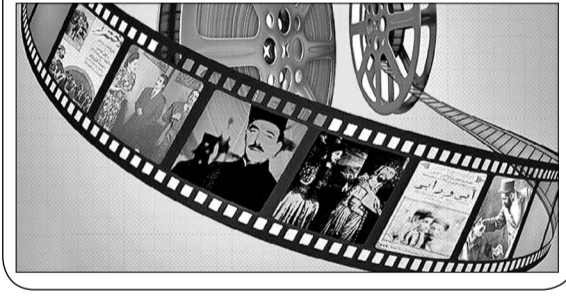
در برخی منابع و متون، کوشیده شده تا از علی‌خان ظهیرالدوله همسر فروق‌الدوله دختر ناصرالدین شاه چهره‌ای متین و عارف ترسیم شود. با این حال مشی دین‌سنترانه او، در تاریخ پوشیده نماندا در جلد سوم «فراموشخانه و فراماسونری در ایران» نوشته اسماعیل زابین، ظهیرالدوله این بازیگر عهد قجری چنین معرفی شده است: «ظهیرالدوله که مردی روشنفکر، اصلاح‌طلب و خواهان تجدد و مساوات بود، سعی داشت افکار طبقاتی از حکمای ایرانی قرن چهارم اخوان‌الصفا و عقاید صوفیان را با هم درآمیخته و با وارد کردن فراماسون‌های ایرانی در انجمن اخوت پایه نوینی برای توسعه فراماسونری بریزد…»

می‌گویند که صفی‌علی شاه سرسلسله درویش صفی‌علی شاهی پدرخواندگی انجمن اخوت را برعهده داشته است.

جالب است بدانید که یکی از چهره‌های مشهور هنری که عضو انجمن بود، درویش خان «سویقیدان» است.

محمود مسعود در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، انجمن اخوت را شاخه‌ای از فراماسونری «شرق اعظم» یا گراند اوریان معرفی می‌کند.

با این حال، تأکید برخی متون به عارف بودن ظهیرالدوله اگر نگویم به‌واسطه پنهان نگه داشتن چهره ماسون وی و اعضا و همراهان انجمن ماسونی اخوت بوده است، چه می‌توانیم بگوییم؟



پخش سریال «ستایش» به عنوان یک درام تلویزیونی دنباله‌دار از سیما، فرصت خوبی برای بررسی یکی از معضلات قدیمی سریال‌های ایرانی است. معضلی که به مسئله ای جدی در سریال‌های تلویزیونی ما تبدیل شده است. مسئله گره‌های فیلمنامه در سریال های امروز ایرانی به شکل یک معضل جدی خود را نشان می دهد. بسیاری از تولیدات صدا و سیما در عرصه فیلم و سریال طی چند سال گذشته معمولا تک گرهی هستند و با حل شدن آن کل سریال تمام می شود. سری دوم سریال «ستایش» هم با چنین مسئله ای روبه رو است. بسیاری از سریال های ایرانی به این شکل هستند که کارگردانان به دلیل ضعف جدی فیلمنامه با یک گره کار را تا پایان ادامه می دهند. این در حالی است که معمولا این سبک از فیلمنامه ها که کل داستان تنها بر اساس یک گره پیش می رود فقط برای مجموعه هایی همچون «نایب برای شما هم اتفاق بیفتد» مناسب است. به این صورت که داستان یک گره را در طول چند قسمت محدود مطرح کرده و در انتها با باز شدن آن، موضوع آن قسمت یا ان سلسله قسمت های بعدی به آن موضوع اختصاص دارد تمام می شود.

**گره هایی که سردرگمندا!**

به نظر می رسد که آن چه این روزها در سریال های ایرانی رخ می دهد دقیقا برعکس این موضوع است.به این صورت که یا گره سریال های کل داستان و تعلیق ها و هیجان ها و تمام عناصر جذابیت سریال براساس آن بیان شده آن قدر کش داده می شود که مخاطب را خسته می کند و یا آن قدر این گره زود باز می شود که مخاطب احساس می کند اقیاع نشده است. به عنوان مثال، در سریال «ستایش» که از زمان آغاز قسمت دوم به دلیل جذابیت سری اول مورد توجه مخاطبین قرار گرفته بود خیلی سریع برای مخاطب کسل کننده شد. چرا که کل داستان این سریال براین اساس بود که حشمت فردوس نوه خود را ببیند و بشناسد و باقی ماجرا حاشیه ای بود. این مسئله به یک اپیدمی تبدیل شده که بسیاری از سریال های ایرانی را گرفتار خود کرده است. بسیاری از سریال های ایرانی که گذشتنه تا به امروز یعنی از همان زمان که پدرسالارها تولید شد تا همین روزها که سریال های مانند «ستایش» و «یادآوری» از تلویزیون پخش شده است با این بحران درگیر هستند.در سریالی مانند «یادآوری» و یا «اوی بسارن»علی‌نغم جذابیت کلی ماجرا اما بحران نبود گره های مختلف در فیلمنامه ها قابل مشاهده بود.

**کارگردانی که کارش گره می خور!**

باید توجه داشت که در بسیاری از اوقاتی که فیلمنامه تک گرهی یا به تعبیری نقطه عطف های سریال محدود می شود کارگردان



پرویز شیخ طاهای (فیلمساز)

فعالیت عرصه دوبله غیر مجاز، ریشه در زمانی دارد که موسسات ویدئورسانه هنوز به صورت رسمی فعالیت گسترده ای نداشتند و بازار فروش فیلم های سینمای جهان در اوایل دهه ۸۰ متولی خاصی نداشت. اما برخی شرکت های غیر مجاز که منشأ فعالیت آنان چندان پوشیده نیست تحت عنوان شرکت های نیمه مجاز، اقدام به خریدن کسب و کاری آثار سینمایی می کردند. آن ها با اعمال پاکسازی حداقلی بر آثار سینمای جهان و با ورود فرمت VCD آنها را وارد بازار غیر رسمی مجاز می کردند و فروشگاه های عرضه محصولات فرهنگی نیز اقدام به توزیع این آثار می نمودند. در اوایل دهه ۸۰ انیمیشن های خارجی به هیچ وجه امکان دوبله، تولید و عرضه در شبکه نمایش خانگی را نداشت. موسسات خصوصی در آن مقطع زمانی توسط وزارت ارشاد ساماندهی نشده بودند و شرکت‌های غیر مجاز که مسئولیت توزیع آثار سینمایی را برعهده داشتند به صورت گسترده ای امکان فعالیت داشتند.

ناگهان در سال ۸۱ در میان آثاری که به‌صورت زیرنویس فارسی عرضه می شد فیلم سینمایی «شب بخیر طولانی» با دوبله فارسی با رایعت موارد قانونی و حذفیات متعارف در شبکه نمایش خانگی عرضه شد. این فیلم به شرکت خاصی تعلق نداشت و محصول شبکه زیر زمینی قاچاق دوبله بود. نسخه دوبله شده این فیلم نخستین محصول دوبله غیر مجاز در مجاری رسمی توزیع فیلم در کشور بود. همزمان اخبار و شایعاتی به گوش می رسید که شخصی با عنوان «هر» دفتری را در اطراف میدان صادقیه و بلوار مرزداران تأسیس کرده است و مشغول به تست افراد، برای دوبله کردن آثار سینمایی و انیمیشن است. از این فرد اطلاعات چندانی در دست نبود و وی را بیشتر قاچاقچیان عرضه Vcd در شبکه مجاز می‌شناختند. افرادی که در میدان امام خمینی فروشگاه های عرضه تولیدات آثار زیرنویس شده را داشتند و «ج.م» و «ج.ا» از افراد شناخته شده ای بودند که در تیراژ گسترده ای نخستین دوبله غیرقانونی در شبکه نمایش خانگی مشارکت داشتند. این افراد که هم اکنون فروشگاه های زنجیره ای عرضه محصولات فرهنگی را در اختیار دارند در آن زمان به صورت غیر رسمی نبض بازار توزیع آثار سینمای جهان با زیرنویس فارسی (به صورت سانسور شده) را برعهده داشتند.

**گسترش مافیای با بی تفاوتی وزارت ارشاد**

ماجرای ورود و فعالیت «هر» تحت عنوان «گلوژی اننتیمت» به حوزه دوبله فارسی طی فرآیندی زود هنگام گسترده تر شد و گروه مذکور، انیمیشن های مختلفی را با دوبله فارسی روانه بازار نیمه مجازی کردند که توسط «مافیای تولید غیر مجاز VCD پشت شهرداری» (فروشگاه های دایر در میدان امام خمینی) اداره ه شد. در آن مقطع گروه «هر» و کیستی، گروهی که با وی همکاری داشت بر اهالی رسانه و مطبوعات پوشیده بود. آثار دوبله شده توسط گروه گلوژی به دلیل توجه به مخاطب کودک و نوجوان و اینکه در آن زمان به صورت رسمی انیمیشن های دوبله غیر مجازی مجاز(موسسات مرتبط با شبکه نمایش خانگی) عرضه نمی شد در بازار نیمه رسمی مجاز با استقبال خوبی مواجه شد. شایان ذکر است که در سال ۸۲ موسسات خصوصی عرضه آثار سینمایی در شبکه نمایش خانگی به رشد قابل توجهی دست یافتند و به تدریج بازار قانونی توسعه پیدا کرد. اما بازار قاچاق به کمک توزیع انیمیشن های غیر قانونی توسعه پیدا کرد و «گلوژی اننتیمت» با دوبله های انیمیشنی که توسط بازار نیمه رسمی ارائه کرده بود عامل توسعه بازار قاچاق بود.

«لر» یکی از فعالان حوزه نمایش خانگی بر آن است: محصولات «گلوژی اننتیمت» که رشد بازار قاچاق دامن می زد و قبل از تأسیس موسسات خصوصی در حوزه پخش فیلم، به واسطه آثار «گلوژی اننتیمت» بازار قاچاق با انکاب به توزیع انیمیشن هایی که خرید رایت های آنان غیر ممکن بود توسعه پیدا کرد. زمانی که بنده به عنوان نماینده اتحادیه به همراه پلیس امنیت قصد مواجهه با شبکه‌های غیر مجاز را داشتیم با مشکل بزرگی روبرو بودیم. این شبکه ها دیگر فیلم هایی با زیرنویس و سانسور را تولید نمی کردند و انیمیشن‌های دوبله عامل پایداری بازار قاچاق بودند و اغلب تولیدات «گلوژی اننتیمت» را تولید و پخش می کردند. نکته قابل تامل این است که «گلوژی اننتیمت» هیچ مجوز قانونی برای فعالیت هایش در حوزه «دوبله فارسی» نداشت و وزارت ارشاد وقت در دولت موسوم به اصلاحات به هیچ عنوان از فعالیت‌های غیر مجاز که به صورت غیرقانونی و بدون نظارت آن آثار را منتشر می کردند ممانعت به عمل نمی آورد. حتی طی دو سال فعالیت این انجمن به صورت غیر قانونی، برخی مطبوعات علی‌الخصوص

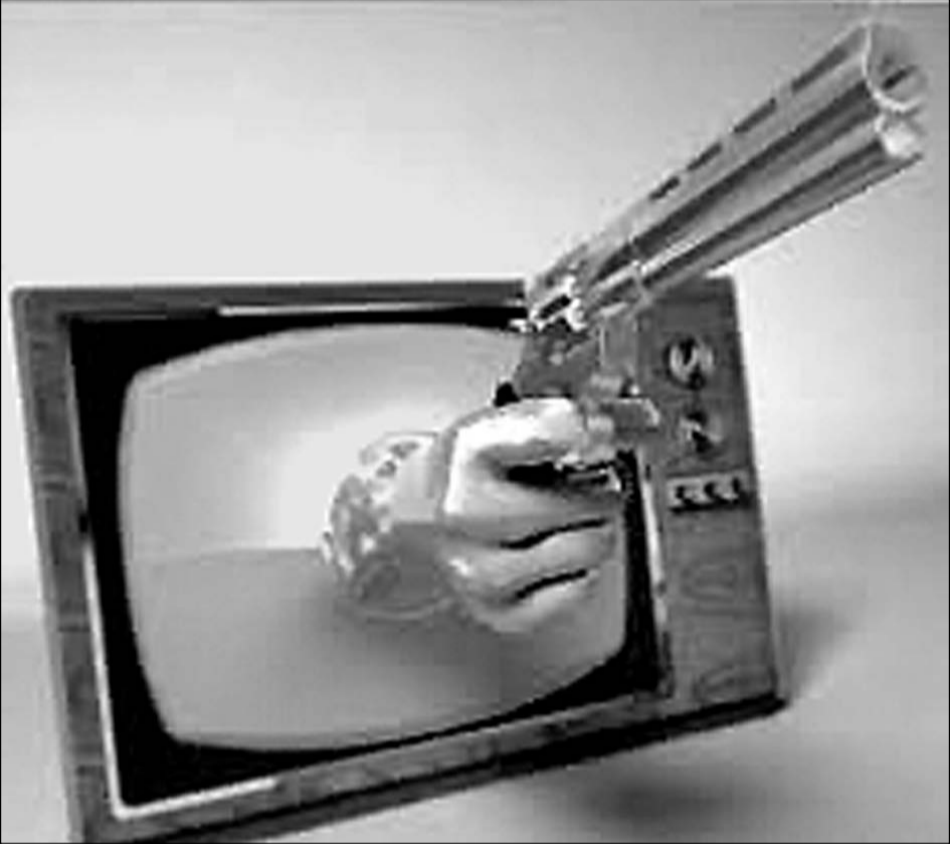


## نطفه دوبله های غیر قانونی از کجا آغاز شد و چگونه ادامه حیات می دهد؟ تهران چگونه به پایتخت دوبله شبکه های ماهواره ای تبدیل شد؟

■ **نیما مسعودی**

■ **\* بسیاری از صداهای آشنایی که در سریال های ماهواره ای با «هر» همکاری داشتند بوضوح در سریال های این شبکه ها شنیده می شود. انجمن منتسب به این شخص نیز همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می دهد و بخشی آموزش خود را همچنان فعال نگاه داشته است. اما نکته جالب تر این است که گروه منشعب شده از «هر»، تحت عنوان سورن همچنان همکاری خود را با شبکه های ماهواره ای ادامه می دهد**

نشریاتی نظیر ماهنامه فیلم و همشهری جوان در مقطع زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ تبلیغات گسترده‌ای برای آن گروه که فعالیت‌هایش بدون مجوز قانونی صورت می پذیرفت به راه انداختند. در آن دوره، رایت انیمیشن های خارجی توزیع شده در شبکه غیر مجاز، متعلق به کمپانی میجر و رایت این محصولات غیر قابل خریداری بود و به دلیل عدم وجود متولی خاصی هیچ اقدامی برای جلوگیری از انتشار این آثار صورت نگرفت. اما رسانه ملی در سال ۱۳۸۳ در اقدامی غیر متعارف شروع به پخش آثاری کرد که توسط این انجمن به‌صورت زیر زمینی و غیر مجاز دوبله شده بود و با پخش آثار



دوبله شده توسط «گلوژی اننتیمت» باعث شد تا این گروه بتواند با کسب وجهات از رسانه ملی فعالیت های خود را گسترش دهد. ادعاهای مذکور در این گزارش را اغلب مدیران موسسات رسانه‌های خصوصی تایید می کنند و البته نکته ای نیست که پوشیده از اهالی رسانه و فعالین شبکه نمایش خانگی باشد. این روند دوبله و توزیع غیرقانونی انیمیشن های خارجی تا ابتدای تابستان ۱۳۸۴ ادامه پیدا کرد. اما کمی قبل در زمستان ۱۳۸۳ انجمن کودکان و سرپرستان گفتار فیلم به دلیل افزایش فروش تولیدات شبکه نمایش خانگی و عدم افزایش گویندگان و مدیران دوبلاژ در حوزه بیرونی سازمان صدا و سیما دست به اعتصاب زد و فعالیت های گویندگان و دوبلورها در خارج از سازمان صدا و سیما متوقف شد و فعالیت انجمن اصلی گویندگان صورت انحصاری در سازمان صدا و سیما پیدا کرد. درطول دوره یکساله اعتصاب، موسسات شبکه نمایش خانگی برای ادامه حیات نیاز به گوینده داشتند و «گلوژی اننتیمت» با بهای کمتری اقدام به دوبله آثار سینمایی می کرد و

**به پهانه پخش سری دوم «ستایش»**

# بحران «گره» در سریال های ایرانی

■ **رضافرخی**

**\* سریال های ایرانی به آب بندی و کش دادن داستان معروف شده اند. آنها یک مسئله نه چندان مهم را مطرح و در ادامه در حالی که قابلیت طولانی شدنش وجود ندارد ادامه می یابند. فیلمنامه ها به سمت تند نویسی فوق العاده رفته و فیلمنامه‌نویسان به جای تفکر روی ابعاد موضوع و چندوجهی نگریستن به آن تنها به نوشته های یک خطی آن هم بدون تعلیق دیگر می پردازند.**

مجبور است یکی از چند راه را برای ادامه سریال انتخاب کند: ۱- تا پایان سریال به شکل خسته کننده ای از سکانس های طولانی استفاده کند و ماجرا را به شدت کش دهد و درنهایت در قسمت پایان به یکباره گره داستان را باز کند. ۲- گره داستان را در همان قسمت های میانی به دلیل اعتراض مخاطبان خود باز کند وادامه داستان را به مسائل حاشیهای اختصاص دهد که برای مخاطب دیگر مهم نیست!

۳- باچهار هنگامی که سریال کلا از ریتم افتاده،یک گره ناپخته را در چند قسمت پایانی به وجود بیاورد که البته مخاطب آن را قبول نخواهد کرد.

**لزوم بررسی «گره» قبل از تولید**

با نگاهی به این سه مسئله می‌توان به این نکته دست یافت که بسیاری از کارگردانان ایرانی در چند سال گذشته به این سه راه کشیده شده اند.به ویژه که در ژانر درام این مسئله کاملاً برجسته محسوب می‌شود.اگر کارگردان های سریال های درام ایرانی قبل از اینکه وارد ساخت سریال شوند فیلمنامه را درست بررسی نکرده



دوبله شده توسط «گلوژی اننتیمت» باعث شد تا این گروه بتواند با کسب وجهات از رسانه ملی فعالیت های خود را گسترش دهد. ادعاهای مذکور در این گزارش را اغلب مدیران موسسات رسانه‌های خصوصی تایید می کنند و البته نکته ای نیست که پوشیده از اهالی رسانه و فعالین شبکه نمایش خانگی باشد. این روند دوبله و توزیع غیرقانونی انیمیشن های خارجی تا ابتدای تابستان ۱۳۸۴ ادامه پیدا کرد. اما کمی قبل در زمستان ۱۳۸۳ انجمن کودکان و سرپرستان گفتار فیلم به دلیل افزایش فروش تولیدات شبکه نمایش خانگی و عدم افزایش گویندگان و مدیران دوبلاژ در حوزه بیرونی سازمان صدا و سیما دست به اعتصاب زد و فعالیت های گویندگان و دوبلورها در خارج از سازمان صدا و سیما متوقف شد و فعالیت انجمن اصلی گویندگان صورت انحصاری در سازمان صدا و سیما پیدا کرد. درطول دوره یکساله اعتصاب، موسسات شبکه نمایش خانگی برای ادامه حیات نیاز به گوینده داشتند و «گلوژی اننتیمت» با بهای کمتری اقدام به دوبله آثار سینمایی می کرد و



**\* کارگردان ها وفیلمنامه نویسان به نوعی از تولید سوزه ها و گره های جزئی و یا کلان در طول متن سریال هراس دارند.چرا که گمان می کنند که هنگام باز کردن آن برای مخاطب به مشکلات جدی برخورد خواهند کرد. به ویژه که بسیاری از تولید کنندگان فیلم و سریال به این سبک فیلمنامه عادت کرده اند و بر همین اساس برایشان باز کردن چندین گره دشوار است.**

فیلمنامه نویسان برای ایجاد گره های مختلف و جذاب در فیلمنامه‌های سریال ها اشاره کرد. اولین علت این که سرعت فیلمنامه نویسی افزایش یافته و به تبع آن کیفیت کاهش پیدا کرده است،به‌شکلی که فیلمنامه نویس‌ها علاقه دارند بدون بازنگری در سوزه ها در طول متن،به‌صورت یک پارچه کل داستان را براساس گره های ابتدایی پیش ببرند. نویسندگان فیلمنامه‌های سریال‌ها اشاره کرد. اول این که سرعت فیلمنامه نویسی افزایش یافته و به تبع آن طول متن سریال هراس دارند.چرا که گمان می‌کنند که هنگام باز کردن آن برای مخاطب به مشکلات جدی برخورد خواهند کرد. به ویژه که بسیاری از تولید کنندگان فیلم و سریال به این سبک فیلمنامه عادت کرده اند و بر همین اساس برایشان باز کردن چندین گره دشوار است.



جواد ارگانی (فیلمساز)



را گسترش دهند و در اقدامی غیر متعارف در کنار انجمن اصلی با اخذ مجوزهای قانونی اقدام به تأسیس آموزشگاه دوبله در کنار فعالیت های نه چندان قانونی ورود و خیل عظیمی از نیروهای مشتاق حرفه دوبله که شرایط ورود به سندیکای اصلی را نداشتند به آموزشگاه دوبله انجمن جلب کردند. اما برای حربه جذب مخاطب از طریق دوبله های غیر متعارف، گویندگان جوان را به ببراهه کشاندند. استفاده مکرر از لهجه قومیت های مختلف بارها حساسیت برانگیز شد و وزارت وقت به سندیکای مزبور تذکر داد که به هیچ صورتی نباید از لهجه قومیت های مختلف استفاده کند و برگردان ترانه های لس آنجلسی با تغییر اشعار نباید در دوبله ها پخش شود. اما «هر» رابطه خوبی با مطبوعات داشت و با وجود این حساسیت ها توانایی فسانسازی رسانه ای را داشت. به صورتی که نهادهای نظارتی مرتبط هر چقدر تلاش می کردند نمی توانستند شیوه غیر متعارف و مبتذل آن را کنترل کنند.

**ورود به شبکه های ماهواره ای**

وزارت ارشاد در آن مقطع فعالیت های انجمن گروه گویندگان را تعطیل نکرد اما به صورت کتبی به این سندیکا اعلام کرد، اجازه نخواهد داد کما فی سابق آثارش به صورت قاچاق منتشر شود و باید آثاری که توسط این سندیکا دوبله می شود صرفا از طریق موسسات قانونی به بازار راه یابد. به این ترتیب، در وزارت ارشاد دولت نهم، فعالیت های این انجمن به صورت نامحسوسی محدود شد. انجمن «هر» نیز به همین دلیل اقدام به تأسیس آموزشگاهی کرد که سال‌ها بدون مجوز به آموزش دوبله می پرداخت و از مراجعین مبالغ گزافی دریافت می کرد. تا به هنرجویان آموزش دوبله دهد.

«هی» یکی از افرادی که به آموزشگاه «هر»رفته و دوره های مذکور را در مجموعه کلاس های این آموزشگاه گذرانده است به «کیهان» گفت: حدود دو ماه در نیمه نخست سال ۸۷ در این آموزشگاه بودیم اما دیدیم که بحث آموزش در آنجا فرمالیته بود. آن ها درواقع دنبال صدای خوبی می گشتند. آموزشی که در این آموزشگاه دیدیم ارزش پولی که از ما گرفتند را نداشت و پس از آموزش هر روز از صبح تا شب می رفتیم در استودیو می نشستیم تا نوبت ما شود و نقشی کوچک را در فیلم دوبله به ما واگذار کنند. تقریباً همزمان با سال ۸۷ بود که برخی گوینده هایی که استعداد ذاتی این کار را داشتند را به استودیو های دیگری می‌بردند و می گفتند اینن گروه برای دوبله سریال می روند. اما جالب اینجاست سریال هایی که بچه های گوینده در آن دوبله می کردند در خارج از ساختمان اصلی انجمن گویندگان بود و افرادی که در آن ساختمان ها فعالیت می کردند به ساختمان اصلی ساختمان گویندگان نمی آمدند.

وی در ادامه توضیح داد: شایعات زیادی شنیده می شد که سریالی که دوبله می شود متعلق به یکی از شبکه های ماهواره‌ای است، اما اخبار موثقی دریافت نمی کردیم. گویندگانی که در دوبله این سریال شرکت داشتند کمتر به انجمن گویندگان می‌آمدند و اگر هم حضور داشتند دربار دوبله سریال سخنی بر زبان نمی‌آوردند. این ماجرا گذشت تا اینکه صدای یکی از خانم های فعال در انجمن که از قدیمی های سندیکای گویندگان جوان به شمار می رفت در سریال «هایسا» به جای کاراکتر اصلی در این نقش شنیده شد. این سریال از شبکه «بی ام سی» پخش می شد. می هم نام خواستم خودم در عارف فیلیم و دیگری به انجمن مراجعه نمی کردم. چون درآمدی برایمان نداشت و از ما می خواستند برای اینکه نقش اصلی را دوبله کنیم، حتما باید به آقای «هر» پول بدهیم.

در آن زمان، صداهایی که به عنوان دوبله سریال های شبکه بی ام سی شنیده می شد، پیش از این در انیمیشن های انجمن گویندگان به گوش خورده بود. شاخص ترین صدا که کاملاً قابل شناسایی بود صدای «آ.» در نقش مایسا در سریالی به همین نام بود که کاملاً قابل شناسایی بود. وی از گویندگان انجمن گویندگان به شمار می رفت و صدای سایر گویندگان قابل تشخیص در این سریال ها عبارتند از: امین قاضی، ساناز غلامی، مینا مومنی، علی نکویی، نگین گیوه چی، عرفان هنریبخش و... . تطبیق این صداهای مذکور شد که شایعاتی در سال ۸۱ بدشد افزایش پیدا کند که انجمن «هر» مشغول همکاری با شبکه های فارسی زبان است. اما انجمن «هر» در بخش آموزش صداهای تازه ای را آموزش داده بود که بعدا این صداها در سریال های شبکه فارسی وان مخصوصا سریال های کره ای استفاده شد. در همان زمان، یکی از کارشناسان دوبله وزارت ارشاد و از فعالین فیلمخانه که در آن زمان مسئولیت بی‌گیری ماجرا می شود.(استناد به گفت وگویی حامد عزیزی با یکی از روزنامه های صبح) کارشناس مذکور پس از ارزیابی وزارت ارشاد آثار دوبله شده ماهواره ای طی گزارشی به مسئولین سیاست ارشاد اعلام کرد که بسیاری از این گویندگان در سندیکای گویندگان فعالیت می‌کنند و صداهای آنان کاملاً قابل شناسایی است. پس از مدتی «هر» به وزارت ارشاد فراهانده می شود و از او تعهد می‌گیرند که این کار را ادامه ندهد و این نیز تعهد می دهد. اما پس از مدتی فعالیت های غیر قانونی این انجمن از سر گرفته می شود و تا ماجرای دستگیری ۲۱ اذر ۹۱ ادامه پیدا می کند و «هر» توسط دستگاه های امنیتی دستگیر می شود. به فاصله یکسال بعد از آزادی از زندان از ایران به مقصد نامعلومی (طبق اطلاعات موثقی به گرجستان) عزیمت می کند و فعالیت های دوبله خود را از سر می گیرد و با شبکه های AAA Family (next) همکاری می کند. بسیاری از صداهای آشنایی که در سریال های ماهواره ای با «هر» همکاری داشتند بوضوح در سریال های این شبکه ها شنیده می شود. انجمن منتسب به این شخص نیز همچنان به فعالیت های خود ادامه می دهد و بخش آموزش خود را همچنان فعال نگاه داشته است. اما نکته جالب تر این است که گروه منشعب شده از «هر» تحت عنوان سورن همچنان همکاری خود را با شبکه های ماهواره ای ادامه می دهد و افراد این گروه بسا لیدری و رهبری «ق» و «س.غ» همچنان همکاری خود را با این شبکه ها ادامه می دهند. این همکاری، پس از بازداشت «هر» ادامه پیدا کرده و منافسانه متولی خاصی در مورد گروه منشعب شده سورن پیگیری و تحقیق نمی کند.

## تلفات

همچنان در همکاری با موسسات خصوصی بازار داغ غیر مجاز را با دوبله انیمیشن های روز دنیا حفظ می نمود. بخشی از گویندگان اصلی انجمن امع از چنگیز جلیلودن،تورج مهرزادیان،افسانه پوستی ، نصرالله مدقالجلی تن به جریان اعتصاب ندادند و در یکی از موسسات فعالیت های خود را در خارج از سازمان صدا و سیما ادامه دادند. البته برای گفتن نقش های فرعی نیاز میرم و جدی به گویندگانی بود که در یک اثر سینمایی گویندگی در نقش های فرعی را بر عهده بگیرند و تنها نیروی ممکن قابل استفاده فعالان انجمن «هر» بودند. همزمان با دوران اعتصاب انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم و تحولات سیاسی در سال ۱۳۸۴ در زمانی که مدیران دولتی تغییر نکرده بودند «هر» لیدر گروه «گلوژی اننتیمت» اقدام به ثبت خود با عنوان انجمن «هر» در اوایل تابستان ۱۳۸۴ کرد. مدیریت وزارت ارشاد دولت اصلاحات نه تنها در طول فعالیت های این قانونی این انجمن طی سالهای ۸۱ تا ۸۴ واکنشی نشان نداد بلکه از فعالیت های غیر قانونی این گروه ممانعتی به عمل نیآورد. «هر» موفق شد با اخذ مجوز از وزارت کار و امور اجتماعی و با شعار اشتغال‌زایی، ارتقای سطح کیفی دوبلاژ کشور فعالیت رسمی خود را آغاز کند و با شبکه‌های مختلف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، موسسات ویدئو رسانه دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کارگردانان و تولید کنندگان انیمیشن‌های ایرانی و خارجی، سازمان ملل متحد، رادیو جوان، رادیو صدای آشنا و … همکاری کند و نکته قابل توجه اینس است که در سال ۱۳۸۴ موفق به دریافت لوح سپاس از شبکه تهران در شانزدهمین جشنواره رادیویی تلویزیونی مراکز استان‌ها شد و تقدیرنامه از سازمان ملل متحد بابت برنامه جهانی غذا دریافت کرد.

**سوءاستفاده از دوبلورهای جوان**
پس از ثبت گروه غیر قانونی گلوژی اننتیمت، انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم که در آن زمان ریاستش را محمود قنبری بر عهده داشت به این اتفاق واکنش نشان داد و سندیکای مذکور مکاتبات بسیاری با وزارت ارشاد انجام داد و در اغلب این نامه ها با واژگانی قهرآمیز به وزارت ارشاد وقت در سال ۸۴ نوشت که ورود و توسعه این گروه به دوبله لطمات فراوانی خواهد زد و از مدیرانی که در وزارت ارشاد تازه تغییر کرده بودند خواسته شد که مانع فعالیت های این انجمن شوند.(ارجاع به مصاحبه اخیر این دوبلور با روزنامه وطن امروز در تاریخ ۰۹/۳/۲۰۱۳) اما در زمان این نامه نگاری، اقدام سندیکای اصلی گویندگان در رسانه ها علنی شد و چون شائبه انحلال از سوی وزارت ارشاد وجود داشت «هر» با محمود قنبری رئیس سندیکا وارد مذاکره شد و پیشنهاد داد اگر سندیکا جذب انجمن شود، انجمن خودش را منحل خواهد کرد. اما مذاکرات قنبری و «هر» به سرانجام نرسید و اوضاع چند نفره سندیکای گویندگان، زمانی که احساس کردند نمی توانند به انجمن اصلی ملحق شوند با دستور «هر» تصمیم گرفتند انجمن جدید التاسیس